

متن پرسش

سلام و عرض ادب: وقت به خیر. مدتی هست نه حال درس خواندن و نه حال معنوی برای دعا و مناجات و قرآن و عبادت خدا دارم... حدود چند ماه! قبلاً هم پیام داده بودم و کاملاً توضیح دادم. سوال شماره ۴۰۰۸۱ تا الان این حال ادامه داشته و احساس می‌کنم در یک خلأ گیر کردم و با وجود اینکه درک می‌کنم بی‌برنامگی و عدم حرکت به سوی هدف سخت تر از شروع برنامه‌ها و سختی مسیر هست. اما بازهم از اینکه اراده ام برای استمرار ته بکشد نگرانم و برایم گران و سخت است و می‌ترسم بیش از این‌ها شرمنده شهدا شوم. دقیقاً حس کسی که توبه می‌کند و توبه می‌شکند و شرمندگی و رنج روسیاهی برایش می‌ماند. دیشب خواب دیدم کاروان راهیان نور دانشگاه مون در حال حرکت هستند و من دست دست کردم برای ثبت نام و دست آخر اتوبوس‌ها حرکت کردند و من جاموندم و می‌خواستم به مسئول زنگ بزنم بگم اگه زیاد دور نشدید صبر کنید من خودمو برسونم و چون تو جاده بودند گوشی مسئول آنتن نداشت و موفق به تماس نمی‌شدم. هیچ کاری از دستم برنمیومد، ناامید شدم و باور کردم این بار جاموندم و توی خواب خیلی خیلی ناراحت شدم و حس سنگینی داشتم. واقعاً حسرت جاموندن آدم رو می‌سوزونه. بعد که بیدار شدم حس کردم شاید این هشدارم بوده، نمی‌دونم! به هر حال دیگه حتی نمی‌دونم سوالم رو چطور بپرسم و نیازم رو چطور بیان کنم. اما ان‌شاءالله شما بهتر از من حالم رو می‌یابید.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: باید برای ادامهٔ دینداری همواره به حضوری بعد از حضوری فکر کرد و به یک معنا به سبکی نظر داشت که تنها با آموختن حاصل نمی‌شود. عرایضی در جواب سؤال شمارهٔ ۴۰۵۵۶ شده و حوالت‌های حاشیهٔ آن سؤال را هم خوب است که مدّ نظر قرار دهید و بنگرید آیا آن سبکِ دیگر چه سبکی باید باشد. موفق باشید